

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید
۰۱ جون ۲۰۱۶

من هنوز هم به همان نظر هستم که بودم!

نشر مجدد مقاله "واقعیت ها را باید از زبان بینوایان بیدار ضمیر شنید"، که به قلم نارسای نگارنده این اثر نوشته شده بود، آنهم بدون تبصره و اظهار نظر و تعلیل، هرچند غرض آقای "سیستانی" از ارسال این مقاله به پورتال "افغان جرمن-آنلاین" درست در این برشی از زمان قابل فهم است، نه خالی از هدف است و نه تعجب برانگیز. با آن، ایجاب می کرد که آقای "سیستانی" حداقل یکی دو سطر پیرامون منظور خویش از ارسال مقاله مورد نظر به پورتال "افغان جرمن" برای آنانی که از هوش سرشار، مانند ایشان و همپالکی های شان بهره نبرده اند، می نوشتند. اگر ایشان به علت فراهم سازی کار های سفری که در پیش دارند، سفری به خیر باشد، وقت کافی برای آن نداشتند، پورتال "افغان جرمن" باید منحنی ناشر مقاله، در باره علت نشر دوباره آن چیزی می نوشت.

به هر حال، اگر آقای "سیستانی" و یا پورتال "افغان جرمن" فکر می کنند که نزدیکی دوباره و قسمی من و آقای "نوری"، سبب شده است، و یا سبب خواهد شد که در کلیت نظریات من در مورد دوران چهل سال حکومت و کار "ظاهر خان" مرحوم تغییری وارد شده باشد، باید صاف و ستره بگویم که سخت در اشتباه هستند، زیرا من هنوز هم به همان نظر خویش استوار هستم و در آینده نیز استوار خواهم ماند.

طی دوره یاد شده غفلت هائی از سوی حکومت هائی که در رأس آن ها شاه قرار داشت، صورت گرفته است که تحت هیچ عذر و تعلیلی نباید صورت می گرفت و نباید نادیده گرفته شود. چهل سال، در آن زمان، چیزی بیشتر از عمر متوسط ما افغان ها را احتوا می کرد. پاکستانی که (ابراز این نکته تکرار احسن است) بیست و هشت سال بعد تر از ما به مثابه یک کشور مستقل بر روی نقشه جهان عرض وجود کرد، طی کمتر از ده سال در بسا عرصه ها از ما پیشی گرفت. ما امروز از تاجکستان که در آن زمان - همینطور امروز - دارای جمعیت چیزی کمتر از یک چهارم جمعیت افغانستان بود و است، برق وارد می کنیم. هکذا از ازبکستان و ترکمنستان و ایران. بزرگترین کارخانه تولید "آلمونیوم" جهان امروز در کشور تاجکستان قرار دارد. اگر رشد نسبی ایران و افغانستان را در نظر بگیریم، می بینیم که یکی دارای رشد مثبت بوده و دیگری از هر لحاظ رشد منفی داشته است.

اما، ما؟ مردم ما در دوران چهل سال سلطنت شاه (تا همین لحظه) در غایت فقر و ناداری و بیچارگی به سر می بُردند و کاری که باید در آن دوران به صورت لازم و احسن صورت می گرفت، صورت نگرفت. پورتال "افغان جرمن" در روز هائی که مقاله "واقعیت ها را باید..." نوشته شده بود، عکس هائی از چند تا دختر "جاکت دامن پوش" در صحن

یگانه دانشگاه آن زمان افغانستان و یک لابراتوار را به عنوان نشانه های پیشرفت کشور در زمان شاه چاپ کرده بود. اشاره من به این عکس ها و مقصد پورتال این بود که: اولاً اگر شما به مکاتب ثانوی کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته جهان بروید، در آن جا ها لابراتوار های بزرگتر و مجهز تری را می بینید که لابراتوار منعکس شده در عکس اصلاً با آن ها قابل مقایسه نیست، و ثانیاً، تنها چهار تا دختر و پسر و چهار تا تعمیر مدرن در شهر کابل و چهار تا شفاخانه و یک و نیم یا دو هزار کیلو متر سرک اسفالت شده در کشور را نباید مدار قضاوت و نشانه پیشرفت کشور به حساب بیاورید، بلکه قضاوت ما باید بر مبنای تمام کشور از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب و به مقایسه با کشورهای همسایه و کشورهای پیشرفته جهان به مثابه معیاری برای پیشرفت، باشد. همچنین از نظر زمانی باید سنجیده شود که نسبت کاری که در آن دوره انجام شده بود، با زمانی که کشور در امنیت و آرامی به سر برد بود، چقدر بود و خیلی از سخنان و واقعیت های دیگر که در نوشته "واقعیت ها را باید..." بدان ها اشاره شده است، در این دوره قابل نقد و نكوهش بود! همه آنچه در آن مقاله آمده است، حقایقی بودند که هیچ انسان حق بین و با وجدانی نمی تواند آن ها را نادیده بگیرد، و اگر لازم افتد نگوید.

من نه شاه پرست هستم، نه داوود پرست، نه امان الله پرست و نه کلکانی پرست، یا روس پرست و چین پرست و امریکا پرست و ایران پرست و... و نه طالب پرست و مجاهد پرست. و هیچ گاهی حاضر نیستم به خاطر خصومت به یکی دیگری را به آسمان ببرم و یا به زمین بزنم. کار هر یک را به تناسب سود و ضرر آن نسبت به کشور و منافع توده های میلیونی و نیازمند آن و خدمت و خیانتی که این یا آن فرد نسبت به کشورش مرتکب شده است ستایش و نكوهش می کنم. در هیچ قضاوتی اخلاقاً از حتمیت تناسب خدمت ها و خیانت ها نسبت به کشور و نسبت به واقعیت ها چشم پوشی و گریز نکرده ام و گریز نخواهم کرد. و هم هیچ گاهی با پای گذاشتن روی شرفم روابط را بر ضوابط ارجحیت نخواهم داد.

همه آنچه را که در مقاله "واقعیت ها را باید..." گفته شده است، چون واقعیت هائی هستند انکار ناپذیر، بی هراس و بدون مجاملت و مجاهلت، استوارانه مجدداً تأیید و بر آن ها تأکید می کنم؛ ولی فراموش نکنید که من در مورد امنیت و آرامی آن دوره هم حرف هائی دارم که در دوره های بعدی، به ویژه در سی و هشت سال گذشته همه مردم ما مانند گم شده عزیزی هم در پی آن هستند و هم در آرزوی آن!

این مسأله، یعنی چهل سال آرامی و امنیت در کشور، هم برای مردم ما و هم برای حکومت شاهی غنیمت و امتیازی بود که یکی باید قدر آن را می فهمید و بدون ماجراجویی ها از راه تحصن ها و اعتصابات و مظاهره های میلیونی مدنی، بدون این که آن فضاء را مکدر و مختل و مضمحل کند به خواسته های خود می رسید، و دیگری به این دلیل که در این دوره که کشور در آرامی و امنیت کامل به سر می بُرد، سلطنت می کرد؛ که با تأسف زیاد نتوانست استفاده شایانی از آن داشته نیکو و خیر بکند.

و حال کمی هم پیرامون غرض ارسال نشر مجدد مقاله به پورتال "افغان جرمن": به فکر من قصد از این کار ایجاد مجدد آن شکر رنجی که میان من و آقای "نوری" به دلیل نوشتن چندین مقاله از نوع و ریخت مقاله "واقعیت ها را باید..." به وجود آمده بود، است.

آقای "سیستانی" و پورتال "افغان جرمن" بیهوده، حداقل از جانب من، می کوشند آن شرایط را دوباره احیاء کنند. من نه به خاطر این تلاش آقای "سیستانی" و پورتال "افغان جرمن"، بلکه به دلیل این که پورتال "آریانا افغانسان" اخیراً، قبل از نشر مجدد مقاله "واقعیت ها را باید..."، از نشر توضیح اخیر من که پورتال "افغان جرمن" هم از نشر آن مانند احتراز از نظر ارسالی ما، خود خوداری کرد، اجتناب ورزید، از این به بعد ایشان را مزاحم نخواهم شد، ولی فضائی

را که قبلاً وجود داشت دو باره به وجود نخواهم آورد! به عقیده من لقای سایتی را که در عسر و بيسر مردانه وار در کنار نویسنده های خویش قرار نداشته باشد، باید به لقایش سپرد!!

باری و به تکرار، من از گفتن حقایق باز نمی ایستم و باکی ندارم. هیچ وقت هم به این فکر نمی کنم که کی خوش می شود و کی خفه. اگر کسی سهامت شنیدن حقیقت را ندارد، بگذار نداشته باشد. راه و روش من روشن است. کسی با من می آید، بیاید، نمی آید نیاید. من تا زنده هستم به راه خود، حتی اگر تنها هم باشم، که فعلاً به خاطر همین استقلال فکری و پای بندی به گفتن حقیقت عملاً تنها هستم و با خوشی از آن استقبال می کنم، ادامه خواهم داد. از آن انقلابی ها و انقلابی نما هائی نیز نیستم که دم از انقلاب و شرافت انقلابی می زنند، ولی در عمل خادم سرمایه و چاکر پول هستند و سر در آستان دربار ها و دولت های چپ و راست افراطی و لیبرال دست نشانده بیگانگان می سودند و می ساینند؛ یا سجده بر آستان "دوستم" ، "عطا محمد نور" ، "سیاف" ، "خلیلی" ، "محسنی" و سائر مرتجع ترین انسان های مانند این ها برای رسیدن به یک کرسی بی مقدار می گذارند و دل به جلالی و کسانی از سنخ وی می بندند و خواب مقام معاونیت وی را می بینند (می دیدند).

مانند "هاشمیان" جاهل بی منطق و کور مغز هم نیستم که چشم پت کنم و خشک و تر را به آتش بکشم. کسانی را که جرم و جنایت کرده اند، با قلم محکمه می کنم. کسانی را که با غفلت و ندانم کاری به وظایف محوله شان توجه نکرده اند، ولی دست شان به خون بی گناهان آغشته نیست، ملک را ویران نکرده و وطن را در معرض لیلانم قرار نداده اند، به تناسب مسؤولیت و بی مسؤولیتی شان محکوم و تبرئه می کنم؛ و هم کسانی را که هنوز به قدرت سیاسی دست نیافته اند و در عمل ضرر و خیانت شان نسبت به مردم و کشور ثابت نشده است، صرف به دلیل داشتن فکر و ایدئولوژی خاصی که مخالف فکر و ایدئولوژی من است، نه بد و بیراه می گویم، نه زشت می خوانم و نه محکوم به کفر و خیانت می کنم! به آزادی بیان و آزادی عقیده و حق مسلم سیاسی انسان ها، همان گونه که گفته و می گویم، هم باور دارم و هم از آن دفاع می کنم!!

در این جا از آقای "سیستانی" به خاطر کوششی که در نشر آن مقاله در آن زمان مبذول داشت، یک بار دیگر تشکری کرده اضافه می کنم که نظر اصلاح شده "نرگس جان" تصادفاً همزمان با نوشته ای بوده است که در آن آقای "نوری" اسمی از ایشان برده بود. نظر نرگس جان که رسوباتی از نظر من را نیز منعکس می کند، هرگز به آدرس شخص خاصی نوشته نشده است، بلکه جماعتی را در بر می گیرد که همه با هم در جنایاتی که در کشور در زمان خلق و پرچم رخ داده است و آن جماعت در آن جنایات به شکلی از اشکال دست داشته اند، می باشد.

۲۰۱۶/۰۵/۳۱